این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

سبوی دوست

عقل‌ها از سرها پریده است!

آیت‌الله محمد شجاعی(ره):
این راه‌های منحرف عرفانی که درست کرده و راه‌ها و دکان‌هایی که باز کرده‌اند راه قرآن نیست، این یک کلاسی باز کرده است، آن یکی دکانی باز کرده است، این می گوید من عارف هستم، آن می گوید من متعرف هستم، این می گوید من درویش هستم، آن می گوید من فلان هستم. این راه‌ها که باز کرده‌اند در مجموع راه قرآن نیست. به شما مکرر توصیه می کنم این دکان‌ها شما را جذب نکند. همه جا دکان باز کردند کاسبی می کنند. طریق نجات فقط قرآن و اهل بیت است. یعنی راهی که قرآن گفته است و امیرالمؤمنین(صلوات‌الله علیه) گفته که همان راه عرفان و معرفت توحیدی است. حالا همه این دکان‌دارها امیرالمؤمنین را می‌شناسند، قبول هم می کنند، قرآن را هم قبول می کنند، اما همه برای جمع کردن دکان است. خب اگر قبول می کنند همان را بگویند که قرآن می گوید، همان را بگویند که امیرالمؤمنین می گوید، همان را بگویند که ائمه می گویند. چرا از خود کارهایی ابداع کردند، چرا خیلی چیزها را زمین گذاشتند، خیلی چیزها را اضافه کردند؟ اگر راست می گویند. اما خب گفتم عقل‌ها از سرها پریده است. چه باید کرد؟ روایاتی در منابع اهل سنت دیدم، البته بعضی از روایات در منابع آنها آمده است که یکی از علائم در آخر الزمان این است که عقول مردم از سر آنها می‌پرد. آن کسی که گناه را ترک کرد و نادم شد تحت‌اسم غفور قرار می گیرد. آن کسی که گناه را ترک کرد و نادم شد اگر با اشک و گریه ذکر (یاعفو) بگوید راست گفته است. اگر آن کسی که گناه می کند و هنوز هم به گناه خود ادامه می‌دهد، بگوید خدایا من را ببخش این طلب عفو او مانند دانه‌ای است که امید دارد خالق به سراغش بیاید ولی در شوره‌زار نشسته است و شوره‌زاری آن را خراب می کند.
منبع: کانال تلگرامی «آیت‌الله محمد شجاعی»

جهانی بودن، شرط انتظار

کانال تلگرامی آیت‌الله جوادی آملی، بخشی از فرمایشات ایشان را در دیدار با جمعی از مسئولان و اعضای مؤسسه پژوهشی، فرهنگی و فهمی در تاریخ ۱۳۹۸/۸/۲۶ منتشر کرد. این مرجع عالیقدر جهان تشیع و فیلسوف و مفسر برجسته معاصر می‌فرمایند: «منتظر حقیقی حضرت حجت (ع) کسی است که دیگر مکاتب جهان را بررسی کند و آنها را در برابر میزان الهی ارزیابی و آن را به جهانیان معرفی کند. در واقع، جهان را بشناسد، جهانی فکر کند و جهانی حرف بزند و حرف خود را قیم بر دیگر سخنان معرفی نماید. در نتیجه ما باید با دید وسیع وظیفه خود را چنان تعریف کنیم که نیازهای فکری و معنوی جهان را جوابگو باشد.»
همچنین در روزهای اخیر بخشی از توصیه‌های آیت‌الله جوادی آملی خطاب به روحانیون منتشر شده است که توصیه به خواندن کانت، هایدیگر و دکارت می کنند. آیت‌الله جوادی در این فرمایشات که به نقل از حجت‌الاسلام غرویان در دی ماه ۱۳۹۸ منتشر شده است، می‌فرمایند: «باید کانت، هایدگر و دکارت بخوانید تا با زاویه دید اروپای غربی و شرقی و امریکا آشنا باشید تا بتوانید مأموریت‌تان را به خوبی انجام بدهید. وِالا اگر مطالبی که مطالعه می کنید یا موارد تحقیقی‌تان فقط به کار تبلیغِ از حرم تا جمکران باشد، فایده‌ای نمی‌تواند داشته باشد و به درد نهضت امام زمان نمی‌خورد.»

یکی از مصادیق جنگ نرم امریکا در منطقه

قاسم اکبری در کانال تلگرامی «تحلیل سیاسی و جنگ نرم» نوشت: یکی از ابزارهای جنگ نرم دشمن، تأسیس دانشگاه و مؤسسات آموزشی در کشورهای هدف است. اگر یک جست‌وجوی ساده اینترنتی انجام دهیم، با تعداد بسیار زیادی از دانشگاه‌ها و مؤسسات امریکایی در کشورهای منطقه مواجه خواهیم شد که به عنوان سنگرهای علمی- فرهنگی امریکا در قلب جوامع اسلامی عمل می کنند. به عنوان مثال در کشور عراق، امریکایی‌ها حضور خود را فقط محدود به نیروهای نظامی نکرده و از حضور و نفوذ فرهنگی به هیچ عنوان غفلت نکرده‌اند.
لیست دانشگاه‌های امریکایی در کشور همسایه‌مان عراق: دانشگاه امریکایی بغداد، دانشگاه امریکایی اربیل، دانشگاه امریکایی سلیمانیه، دانشگاه امریکایی دهوک، دانشگاه امریکایی صلاح‌الدین و تعداد بسیار زیادی مرکز و مؤسسه آموزشی در شهرهای مختلف عراق.
جالب اینجاست که بخش زیادی از هزینه‌های این دانشگاه‌ها به‌صورت شهریه از دانشجویان کشور هدف تأمین می‌شود و متأسفانه ما در این جنگ نرم هنوز اندر خم یک کوچه‌ایم...

حامد جعفرنژاد | تسنیم

اعتراض کاربران شبکه‌های اجتماعی به اطلاع‌رسانی متناقض و ضعیف وزارت آموزش و پرورش درباره آغاز مدارس

تلاش دولت برای شگفت‌زده کردن مردم!

با اینکه امروز شنبه آغاز رسمی سال تحصیلی ۱۴۰۰- ۱۳۹۹ است، اما همچنان والدین در آخرین لحظات سردرگم بودند. برخی اخبار حکایت از غیرحضوری بودن مدارس داشت و بخشی دیگر از الزام حضور دانش‌آموزان. والدین نیز نگران سلامتی فرزندان خود هستند و برخی اعلام کرده‌اند در صورت حضوری بودن مدارس از فرستادن فرزندان خود به مدرسه اجتناب خواهند کرد. علی باقرزاده، رئیس مرکز هماهنگی حوزه وزارتی آموزش و پرورش نیز با حضور در شبکه اخبار از والدین خواست پیش از فرستادن بچه‌ها به مدرسه با دفاتر مدارس تماس بگیرند و وضعیت حضوری یا غیرحضوری بودن کلاس‌ها را جویا شوند. شبکه‌های اجتماعی نیز بستری برای اعتراض والدین و دانش‌آموزان شده است. آنها از نحوه اطلاع‌رسانی دولت و وزارت آموزش و پرورش گلایه دارند. در ادامه بخشی از این واکنش‌ها را می‌خوانید.

■ **سیاوش آقاجانی:**
روحانی گفته: «شرط بازگشایی مدارس حفظ سلامت دانش‌آموزان است» اما من نمی‌دونم الان ایشون برای ما شرط گذاشته یا برای خودش یا ویروس کرونا؟!

■ **فاطمه رضایی:**
از طرفی ۲۴ ساعته تلویزیون و اخبار داره از شاد میگه و از اینترنت رایگان و ثبت نام سیمکارت دانش‌آموزی، از طرف دیگه میگن مدارس حضوریه. خب الان ملت دقیقاً چه‌کار کنند؟ شده مثل میدون جنگ که همه باید مسلح باشند تا هر لحظه که مدرسه به هر طریقی باز شد اقدام کنند!

■ **پهلوانی:**
دانش‌آموزان هر روز تاس بندازند، اگه یک تا سه آوردند بیان مدرسه، اگر چهار تا شش آوردند نیان! با تشکر مدیریت دولت تدبیر و امید.

■ **سه‌ویل:**
با رعایت کدوم پروتکل میخوان مدارس رو باز کنن؟ کی مراقب بچه‌هاست که دستشون نکنن توی دهنشون توی محیط آلوده بیرون؟ آیا دستشویی‌ها هر ساعت ضد عفونی میشه؟ این مدارس که تهویه مناسب ندارن چی؟ اجازه میدین بچه‌هاتون برن مدرسه؟

■ **عبید موگویی:**
قدیم یک آبله مرغان می گرفتیم یکدفعه کل کلاس می‌گرفتن و تعطیل می‌شد و مدرسه اصلاً بچه‌ها را راه نمی‌داد، حالا این کرونا که هم سرعت انتقالش بالاتره و هم در دوره انتقالش هیچ نشونه‌ای نداره اینقدر مهم نیست که به‌خاطرش مدارس غیر حضوری بشه؟

■ **پریسا رجبی:**
سه ماه نشستن تصمیم گرفتن و پروتکل نوشتن بخشنامه کردن؛ چندین بار جلسه گذاشتن، توجیه کردند! اون وقت صبح دو روز قبل از شروع مدارس تصمیم میگیرن دوباره فکر کنن و تصمیم بگیرن. اونوقت مثالشون چیه؟ میگن کنکور برگزار کردیم چیزی نشد! من نمیدونم شباهت پنج ساعت نشست در یک اتاق ۱۶متری اون هم هر روز، چه شباهتی به کنکوری داره که یک روز برگزار شد اون هم ۹ نفر در یک اتاق بودند. اون هم در سکوت و بدون صحبت و حرف!

■ **علی خرامانی:**
نمی‌دانم چرا در هر مسئله‌ای باید دولت تمام سعی‌اش را بکند تا مردم را شگفت‌زده کند! آن از بنزین که یک شبه انجام شد! آن از کنکور که تا یک هفته مانده به کنکور همه بلاتکلیف بودند و این هم از آغاز مدارس! یعنی واقعاً اینقدر سخته که در یک جلسه همه حرف‌ها جمع‌بندی بشه و بعد یک مسئول واحد اعلام موضع کنه؟!

■ **سیدپویان حسین‌پور:**
در هیئت دولت کسی نیست به رئیس دولت و وزیر آموزش و پرورش حالی کند آنچه با روح و روان دانش‌آموزان و خانواده‌ها می کنند و هر روز یک حرف درباره بازگشایی مدارس می‌زنند، آثار سوء و مخربش، صدبرابر بیش از کروناست؟!

■ **ناهید یوسفیان:**
الان خیلی کار سختیه مثلاً یک بیانیه بدهند و بگویند تصمیم‌گیری در هر استان با استانداری؟ یا خیلی سخته بگن هیچ کس در این مسئله حق مصاحبه تلویزیونی نداره جز سخنگو یا وزیر؟ حتماً باید برای این مسئله هم مردم ده بار اعتراض و تجمع کنن تا آخر مجلس ورود کنه و مسئله حل بشه؟

■ **علی قلهکی:**
اگر مدارس حضوریه دیگه آموزش مجازی این وسط چی میگه؟! به نظر می‌رسد آموزش و پرورش هیچ برنامه‌ای برای اعمال پروتکل‌های بهداشتی نداره، امیدوارم مسئولان ارشد آموزش و پرورش بعداً پاسخگو باشن!

■ **محمد کرمانی:**
ای کاش مسئولان ما می‌فهمیدند که این تناقض‌گویی‌ها و این حرف‌هایی که منطق پشتشان سخیف و ضعیف است چه با اعتماد عمومی مردم و سرمایه‌های اجتماع نظام می کند. حالا یک بار با یک بحران یا تحریم روبه‌رو هستیم ولی تعیین تکلیف مدارس که خیلی پیش پا افتاده است. چرا حتی در اطلاع‌رسانی کنکور و بنزین و مدرسه هم باید بی‌تدبیری شود؟ چرا تیشه به ریشه اعتماد مردم می‌زنید؟

تحلیل

گریز از بدبختی با نوآوری

دکتر محمد فاضلی، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، در کانال تلگرامی «دغدغه ایران» نوشت:
داستان اول: «من ابتدای دهه ۱۹۷۰ به مدت دو سال در کشور... بودم... که در آن سال‌ها یکی از فقیرترین ملت‌های قاره آسیا بود. برخی دوستان من به خاطر بیماری‌های قابل پیشگیری جان سپردند و خانواده‌هایی را دیدم که مجبور بودند بین داشتن غذا سر میز، فرستادن بچه به مدرسه یا نگهداری سالمندان خانواده یکی را انتخاب کنند.»
داستان دوم: «کشوری را تصور کنید که میانگین امید به زندگی در آن فقط ۴۵ سال است، آمار مرگ و میر کودکان به ۲۰۰ مرگ در هر هزار تولد می‌رسد و کمتر از ۵ درصد مردم به آب لوله‌کشی داخل خانه‌هایشان دسترسی دارند. یک شخص معمولی تقریباً ۵۲ درصد درآمدی را که به سختی به دست آورده خرج خوراک می کند. کمک دولت به مردم اندک است و فساد در همه سطوح بیداد می کند. رفاقت و نه شایستگی تعیین‌کننده شانس دستیابی به بیشتر مشاغل خدمات کشوری است.»
شما فکر می کنید کشورهای دو داستان بالا کدام دو کشور زیر هستند؟ ۱) چین – امریکای قرن نوزدهم ۲) اندونزی- برزیل ۳) مالزی – سوئد قرن نوزدهم ۴) نیجریه – آفریقای جنوبی ۵) کره جنوبی – امریکای قرون نوزدهم ۶) هند – آلمان قرن نوزدهم. گزینه درست را در سطور بعدی معرفی می کنم.
اصل داستان: صرف‌نظر از اینکه شما کدام گزینه را انتخاب کنید، این دو داستان را از کتاب «معمای شکوفایی: چگونه نوآوری ملت‌ها را از فقر بیرون می‌آورد؟» نوشته کلیتن کریستنسن و دو همکارش گرفته‌ام که جعفر خیرخواهان آن‌را به فارسی ترجمه کرده و صندوق کارآفرینی امید در پاییز ۱۳۹۸ در ۲۶۴ صفحه با قیمت ۴۰هزار تومان منتشر کرده است.
استدلال کتاب این است که سه نوع نوآوری وجود دارد: تداوم‌بخش، کارآیی‌بخش، بازارآفرین. شرکت تویوتا دو دهه خودرو مدل کمری را در بازار امریکا فروخته، اما برای حفظ فروش بالای آن بر نوآوری تداوم‌بخش این محصول متکی بوده است. صنعت نفت و گاز اما با تکیه بر نوآوری کارآیی‌بخش، همان کار قبلی را با نیروی انسانی خیلی کمتری انجام می‌دهد. سوددهی و تولید بیشتر شده، اما تحولی در بازار ایجاد نشده است.
نوآوری بازارآفرین اما کاملاً متفاوت است.

هِنری فورد اوایل قرن بیستم خودرو فورد مدل تی را به بازار عرضه کرد و ضمن ایجاد تحول در صنعت خودرو، صنعت فولاد، پلاستیک، جاده‌سازی، مسکن و... را تغییر داد. اَپل این کار را با اولین مدل آیفون انجام داد، ماکارونی ایندومی در نیجریه و لوازم خانگی گالانز در کل جهان با اجاق‌های مایکروویو. توسعه بعدی مدل‌های اپل، گالانز یا خودروهای فورد بعدی هم همه تداوم‌بخش و متکی بر نوآوری کارآیی‌بخش بوده‌اند.
عدم مصرف مفهومی مهم در کتاب و حالتی است که جمعیتی کثیر کالا یا خدمتی را از آن جهت که مهارت، دانش، توانایی مالی یا دسترسی به آن ندارند، مصرف نمی‌کنند. نوآوری‌های بازارآفرین بر «عدم مصرف» متمرکز شده و بازار مصرف مناسب را خلق می‌کند، بازاری که فورد، سونی یا شرکت خدمات تلفن همراه در آفریقای فقیر ایجاد کردند.
نویسندگان توضیح می‌دهند که چگونه دو کشور کره جنوبی (داستان اول) و امریکای قرن نوزدهم (داستان دوم) با نوآوری بازارآفرین مسیر توسعه را هموار کردند و چگونه مکزیک بعد از یک قرن سرمایه‌گذاری روی «نوآوری‌های کارآیی‌بخش» هنوز با جمعیت زیاد درگیر فقر مواجه است. آنها به خوبی داستان فرار از بدبختی امریکای قرن نوزدهم، توسعه ژاپن و کره جنوبی و کاستی‌های مکزیک را با اتکا به نظریه خود روایت می کنند.
نویسندگان همچنین چگونگی مبارزه با فساد (با اتکا بر داستان کره‌جنوبی)، کافی نبودن قوانین خوب برای توسعه و مشکلات و ناکافی بودن سرمایه‌گذاری دولت‌ها در زیرساخت (کاری که دولت در ایران زیاد انجام می‌دهد) را نشان می‌دهند.
کتاب البته به متغیرهای اقتصاد سیاسی و بسیاری متغیرهای کلان تاریخی مؤثر بر توسعه نمی‌پردازد، اما اثری خواندنی و بالاخص فصل هشتم آن (قوانین خوب کافی نیست) مکمل کتاب «توانمندسازی حکومت» (نشر روزنه، ۱۳۹۸، ترجمه جعفر خیرخواهان) و ادبیات مرتبط با اهمیت نوآوری و کارآفرینی در توسعه؛ بررسی و نقد نقش دولت در توسعه (دولت‌پژوهی، ظرفیت دولت و دولت‌های توسعه‌گرا) و شیوه‌های مبارزه با فساد است.
کتاب برای فعالان اقتصادی، فعالان اکوسیستم‌های استارت‌آپی، سیاستگذاران و سیاستمداران متولی توسعه، محققان اقتصاد توسعه، سرمایه‌گذاران و طیفی از علاقه‌مندان به مباحث توسعه، نوآوری، نهادها و حکمرانی بسیار ارزشمند است.

پاورقی «جوان» از «اتاق حوادث» جان بولتون
۵۴
ترجمه: محمدصادق عبداللهی

در الحاق اوکراین به ناتو کم‌کاری کردیم

میان این همه جا در دنیا، بعید بود اوکراین میدانی جنگی شود که ریاست جمهوری یک پرزیدنت در امریکا را به خطر بیندازد. اما در سال ۲۰۱۹ و دقیقاً چند روز پس از استعفای من دقیقاً این اتفاق رخ داد. در کل طول خدمتم در کاخ سفید، ترامپ تنها بر اساس آنچه شخصاً به عنوان مصلح ترجیح می‌داد، عمل می کرد و همیشه سرانجام کار دلخواهش را انجام می‌داد، در اوکراین هم به نظر می‌رسید که او بالاخره توانست به آنچه دلش می‌خواست برسد. اوکراین تحت فشار شدید سیاسی و اقتصادی روسیه است. این مناقشه عظیم روسیه- امریکا بدان دلیل بود که ما زودتر برای عضویت اوکراین در ناتو اقدام نکردیم و حالا این کشور بزرگ و بسیار مهم در برابر تلاش‌های پوتین برای تثبیت دوباره هژمونی روسیه در قلمرو شوروی سابق آسیب‌پذیر شده است.
در نشست ناتو در آوریل ۲۰۰۸، دولت بوش پسر سعی کرد گرجستان و اوکراین را به عضویت ناتو درآورد اما اروپایی‌ها (به‌ویژه آلمان و فرانسه) با آن مخالفت کردند. تبعات فاجعه‌بار این مخالفت در آگوست همان سال آشکار شد و روسیه به گرجستان حمله کرد و دو استان آن کشور را تا به امروز تحت کنترل خود درآورد. مشکلات اوکراین هم هر چند دیرتر آغاز شد اما تابع همان روند است. غرب هم تحریم‌هایی علیه روسیه وضع کرد، اما در دولت اوباما، روسیه نه عقب‌نشینی کرد و نه تغییری در رفتار خود داد، چراکه ضعف ملموسی را که اوباما در کل دنیا از خود نمایش می‌داد حس کرده بود. این افتضاح ارثیه‌ای بود که به ترامپ رسید. او هم در دو سال نخست ریاست جمهوری‌اش توجه کمی به این مسئله کرد.
اولین مواجهه جدی من با مسئله اوکراین در دولت ترامپ، حضورم در مراسم سالگرد استقلال اوکراین در ۲۴ آگوست سال ۲۰۱۸ در کی‌یف بود. سال ۲۰۱۷ جیم متیس در این مراسم شرکت کرده بود. او هم مثل من حس می کرد باید عزم ایالات متحده در پشتیبانی از تداوم استقلال و دوام اوکراین را نشان دهیم. نگرانی‌های ما به‌ویژه به خاطر اینکه روسیه، کریمه را یکجانبه به خاک خود ضمیمه کرده و کمک‌هایی را به نیروهای اپوزیسیون در شرق اوکراین می‌رساند و آنها را کنترل می کرد، بی‌جهت نبود.
در آن روز، یک صبحانه کاری با نخست‌وزیر ولادیمیر گرویسمن داشتم. موضوع صحبت‌مان، اقتصاد اوکراین و تلاش روزافزون روسیه برای مداخله در انتخابات آتی ۲۰۱۹ بود. ماری یووانویچ (سفیر ما در اوکراین) و چند تن از پرسنل سفارت نیز در صبحانه حضور داشتند. گرویسمن معتقد بود پوتین، اوکراین را جبهه‌ای می‌داند که اگر به آن دست پیدا کند، در برابر اقداماتش در سراسر اروپا و جهان مصون خواهد بود که طبیعتاً این برای ایالات متحده نگرانی‌های موجهی به همراه داشت.

مرگ روزنامه‌نگاری؟! هرگز! فقط در حال تکامل است

کانال تلگرامی «ماهنامه مدیریت ارتباطات» ترجمه مقاله‌ای از «کاتیلین استرانگ» را به اشتراک گذاشت. در این یادداشت می‌خوانیم: وقتی به اطرافیانم می گویم در حال تحصیل در رشته‌ای تازه در حوزه ارتباطات رسانه‌ای و روزنامه‌نگاری هستم، معمولاً با واکنشی مشترک مواجه می‌شوم: «کار پیدا کردن در این حوزه خیلی سخت شده است.» یا اینکه «این صنعت دیگر مثل گذشته نیست.» گاهی احساس می کنم مردم به دلیل بحران رسانه‌های سنتی همچون روزنامه‌ها و احساس فروپاشی ژورنالیسم، دچار وحشت‌زدگی شده‌اند، اما آیا این وحشت پایه و اساسی دارد؟ متناقض‌نمای موجود این است که رسانه‌ها اخبار مربوط به افول خودشان را پوشش می‌دهند و مقاله‌هایی با موضوع صنعت ورشکسته روزنامه‌نگاری منتشر می کنند.
اما واقعیت این است در شرایطی که صنعتی افول خود را تجربه می کند، صنعت دیگری در حال ظهور است. آنگونه که مشخص است، روزنامه‌های سنتی در حال تولید فرصت‌های بی‌شماری برای رسانه‌های خبری دیجیتال هستند.
سؤال اینجاست که چرا تصور می کنیم افول شمارگان رسانه‌های فیزیکی، به معنای فروپاشی کل صنعت است؟ روزنامه‌نگاری به‌مثابه صنعتی در حال افول نیست. بله! با چالش‌های جدیدی روبه‌روست، اما در شرایطی که فرصت‌های آنلاین راهکارهای دیجیتال تازه‌ای در اختیار آن قرار می‌دهد، در بسترهای جدیدی رشد می کند.
بخشی از استدلال درست است، رسانه‌های چاپی رو به افول هستند و این رویه را در سراسر جهان می‌توان دید، از یکسو هم کمپانی‌های سنتی ناشر روزنامه‌ها دچار افول شده و هم تعداد مخاطبان رسانه‌های چاپی کاهش یافته‌اند. در شرایطی که فناوری‌های دیجیتال به‌صورت مستمر در زندگی روزمره ما نفوذ می کنند، مصرف کنندگان دسترسی فوری و آزادانه بیشتری به منابع بی‌شمار خبری آنلاین و بسترهای شبکه‌های اجتماعی پیدا می کنند. در نتیجه این روند، صنعت رسانه‌های چاپی بخش عمده‌ای از ارزش سرمایه‌های خود را در جهان از دست داده است و پیش‌بینی می‌شود که در آینده هم این افول با سرعت بیشتری ادامه پیدا کند.
واقعیت این است که مصرف کنندگان کل بازار را از صنعت رسانه‌های چاپی به دنیای رسانه‌های دیجیتال متحول کرده‌اند. آنها به‌جای اینکه محتوای روزنامه‌ها را روی کاغذهای چاپی بخوانند، این محتوا را از طریق بسترهای برخط دنبال می کنند. حقیقت این است که روزنامه‌ها فقط یکی از بسترها و سکوهای توزیع محتوا هستند و قرار نیست تصور کنیم که کل بستر روزنامه‌نگاری در رسانه‌های چاپی خلاصه می‌شود.
دنیای روزنامه‌نگاری دیجیتال، هیجان‌آور و نوست. فرصت‌های بسیاری برای روزنامه‌نگاران ایجاد کرده است که به آنها اجازه می‌دهد اصول اساسی صنعت را برقرار نگه دارند. مرزشکنی‌های مثبت و آنچه پژوهشگران دانشگاهی از آن با عنوان «کارآفرینی دیجیتال (Digital entrepreneurism)» یاد می کنند، الگوهای کسب‌وکار تازه‌ای را برای تأمین مالی روزنامه‌نگاران ایجاد کرده است.
هرچند اخبار دیجیتال چالش‌های نوینی را در برابر روزنامه‌نگاری قرار می‌دهند، اما این موضوع به معنای سقوط کل صنعت روزنامه‌نگاری نیست. در واقع این الگوی کسب‌وکار و درآمد روزنامه‌های چاپی است که دچار افول شده، اما تقاضا برای آگاهی عمومی از هر زمان دیگری بیشتر است، آن هم در شرایطی که مخاطبان انتظار به‌روزرسانی اخبار و گزارش‌ها را نه به شکل روزانه بلکه به شکل لحظه‌ای و هر روز هفته به‌صورت شبانه‌روزی دارند.
در چنین شرایطی، به‌جای وحشت‌زدگی، باید به چشم‌انداز وسیع‌تر آینده نگاه کرد و به جای نگرانی از افول روزنامه‌ها باید آماده ایجاد صنعتی نو بود که برای نسل آینده تأمین‌کننده محتوای مورد نیاز باشد. روزنامه‌نگاری در حال مرگ نیست، فقط در حال تکامل است تا بتواند با امکانات عصر دیجیتال هماوردی کند، شاید نقش روزنامه‌نگاران در این عصر کمتر قابل شناسایی، تمایز و ارزیابی کیفی باشد، اما نمی‌توان گفت جایگاه روزنامه‌نگاران در جامعه پایین‌تر از قبل است.